وَ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرآنُ الْكَريمُ عَنْ سيرَةِ الْأَنبياءِ عليهم‌السلام وَ صِراعِهِم مَعَ أَقوامِهِمُ الْكافِرينَ.

و سخن گفته است با ما قرآن کریم درباره روش پیامبران و درگیری آنها با اقوام کافرشان.





وَ لْنَذكُرْ مَثَلاً إبراهيمَ الْخَليلَ عليه‌السلام الَّذي حاوَلَ أَنْ يُنقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبادَةِ الْأَصْنامِ.

و باید یادکنیم به عنوان مثال از ابراهیم خلیل(ع) که تلاش کرد نجات دهد قومش را از عبادت بت ها.

فَفي أَحَدِ الْأَعيادِ لَمّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدينَتِهِم، بَقِيَ إبراهيمُ عليه‌السلام وَحيداً، فَحَمَلَ فَأْساً، وَ كَسَّرَ جَميعَ الْأَصنامِ فِي الْمَعبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبيرَ، ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلىٰ كَتِفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعبَدَ.

پس در یکی از عید ها هنگامی که خارج شدند قومش از شهرشان، ماند ابراهیم(ع) به تنهایی، پس برداشت تبری را، و شکست تمام بت ها را در معبد مگر بت بزرگ، سپس آویزان کرد تبر را بر دوشش و ترک کرد معبد را.

وَ لَمّا رَجَعَ النّاسُ، شاهَدوا أَصْنامَهُم مُكَسَّرَةً، وَ ظَنّوا أَنَّ إبراهيمَ عليه‌السلام هُوَ الْفاعِلُ، فَأَحضَروهُ لِلْمُحاكَمَةِ وَ سَأَلوهُ:

و هنگامی که باز گشتند مردم، دیدند بت هایشان را شکسته شده، و گمان کردند که ابراهیم(ع) انجام دهنده است، پس آوردندش را برای محاکمه و پرسیدند از او:

﴿... أَ أَنتَ فَعَلْتَ هٰذا بِآلِهَتِنا يا إبراهيمُ﴾ الْأَنبياء: ٦٢

آیا تو انجام دادی این را با خدایان ما ای ابراهیم

فَأَجابَهُم: لِمَ تَسأَلونَني؟! اِسأَلوا الصَّنَمَ الْكَبيرَ.

پس پاسخ داد به آنها: برای چه می پرسید از من؟! بپرسید از بت بزرگ.

بَدَأَ الْقَومُ يَتَهامَسونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّما يَقْصِدُ إبراهيمُ الِاسْتِهزاءَ بِأَصْنامِنا».

شروع کردند مردم به پچ پچ کردن: «قطعاً بت سخن نمی گوید؛ ابراهیم فقط قصد دارد مسخره کردن بت های ما را».

وَ هُنا ﴿قالوا حَرِّقوهُ وَ انْصُروا آلِهَتَكُم﴾ الْأَنبياء: ٦٨

و اینجا (گفتند بسوزانیدش را و یاری کنید خدایانتان را)

فَقَذَفوهُ فِي النّارِ، فَأَنقَذَهُ اللّٰهُ مِنْها.

پس انداختند او را در آتش، پس نجات داد او را خداوند از آن.